



سید محمد علی جمالزاده

تقویم و مقویم

معنی و مفهوم کلمه "تقویم" را هموطنان ما عموماً میدانند و محتاج به تفسیر نیست. در سوابق ایام (و از کجا که امروز هنوز در پارهای از مناطق خاک ایران این رسم باقی نمانده باشد) بسیاری از خانواده‌ها علی‌الخصوص خانواده‌هایی که برو و بیائی داشتند و لااقل رئیس خانواده سواد خواندن و نوشتن داشت یک جلد از تقویم که هر سال در ده پانزده ورق به قطع خشکی بچاپ میرسید پیدا میشد و چه یسا برای اموری که حایز اهمیتی بود، از نوع عروسی و بنای عمارت و اسباب‌کشی و ختنه‌سوران و مسافرت و زیارت به عتبات عالیات و به مشهد و به قم و یا حج مکه معظمه و معامله‌های کلان و امور دیگری از همین دست گذشته از استخاره و فال حافظ مراجعه به تقویم با مراعات ماه و هفته و روز در بسیاری از کارها دل‌پوسی‌ها و دودلی‌ها و تردیدها را از میان برمیداشت و کار را سهل و آسان میساخت.

میدانیم که بنای کار بشر بر شک و شبهه و ترس و لرز و اضطراب و تشویش و دودلی و تردید و بیم (و امید هم) نهاده‌است و از قدیم‌الایام یعنی مثلاً "دوره" مصرقدیم و بابل و آشور و یونان و حتی سومر و اکد و چین و ماچین و هند قدیم و طوایف آسیائی و اروپائی و امریکای قدیم و سرخ-پوستها و زردپوستها و خود ما ایرانیان سفیدپوست در دوره‌های از یادرفته به غیب‌گوئی و پیشگوئی و فال و احکام ستاره‌شناسی و غیبگویان مذهبی و غیر مذهبی که بصداه نامهای گوناگون نامیده میشدند و حتی در کتاب مستطاب "شاهنامه" خودمان در هر قدم با آنها روبرو میشویم سرو کار پیدا کرده‌اند و سرو کار پیدا میکرده‌ایم و کاملاً بدانها معتقد بودیم. یکی از آخرین یادگارهای مربوط به تقویم همانا در ضمن سخنان بلندپایه و بسیار با مایه شیخ سعدی خودمان که قرن‌هاست مری واقعاً ما ایرانیان گردیده است دستوری است که در بسیاری از خاطرها نقش بسته و از این قرار است:

برو زن بکن خواجه در هر بهار

که تقویم پارینه ناید به کار*

از طرف دیگر می‌بینیم که حتی در دین و آیین و معتقدات اسلامی ما تنجیم و مربوط ساختن امور ما مسلمانان را با ماه و ستاره و قمر در عقرب کار مقبول و ستوده‌ای نیست. مگر ما در کتاب مستطاب و معتبری چون "احیاء العلوم" حجة الاسلام غزالی در جایی که از "قسمتی از علوم که اندک و بسیار آن نکوهیده است" نمی‌خوانیم که "علم جادوئی و طلسم و نجوم که بعضی از آن اصلاً بی‌فایده است و صرف عمر که نفیس‌ترین بضاعتی است در آن اضعافتست

و اضاغت نفایس نکوهیده است. " (احیاء العلوم " ترجمه فارسی محمد خوارزمی، کوشش حسین خدیو جم " تهران، ۱۳۵۱ هجری شمسی، صفحه ۱۲۲). باز در جای دیگر همین کتاب (صفحه ۱۵۹) چنین آمده است: "... و دیگر گروه به سبب آنکه احکام نجوم با سر - نوشت یک نفر موافق شده بآن دل بسته‌اند و گروهی دیگر به سبب ناآهنگی آنها سرنوشت دیگری آنرا باطل دانسته‌اند و این همه نادر است، بل سزاوار است که هر چیزی در حد خود شناخته شود. "

اما در هر صورت من که دارم هم‌اکنون با شما خوانندگان گرامی این سطور صحبت میدارم در همین اواخر یک جلد از همان تقویمهای پارینه، خودمانی (و بیش از پارینه) بدست آورده‌ام که قدرش را بسیار میدانم و یقین دارم که چون تا اندازه‌ای آئینه تمام قد نمای فکر و نظر و طرز اندیشه و معتقدات ما مردم ایران در گذشته‌ء دور و دراز و حتی همین دیروز و پریروز (و شاید همین امروز و فردای) است هموطنانم نیز بی‌میل و رغبت نخواهند بود. که لحظه‌ای چند با آنها درباره، همین چند ورق نیم‌پاره که تقویم نام دارد صحبت بدارم .

در خاطراتم این سطور نقش بسته است که هفتاد و پنج شش سال پیش از این که در تهران در مدرسه، ادب از تأسیسات شادروان حاج میرزا یحیی دولت آبادی در مجلسه، امامزاده یحیی شاگرد بودم (۱) چون سال تحصیلی بی‌پایان رسید و موقع امتحانات آخر سال فرا رسید در طالار بزرگ مدرسه اسباب امتحان را فراهم ساختند و از اشخاصی که بدین قبیل کارها علاقمند بودند یعنی اهل فضل و کمال و مدرسه و نشر علم و ادب بودند واز آن جمله حاج نجم‌الدوله که هر سال تقویم آن سال را منتشر میساخت برسم ممتحن دعوت بعمل می‌آمد. روی یک قطعه قالی بزرگی دور تا دور مجلس همه بازو به بازو جلوس میکردند و مجلس با قرائت آیاتی از کلام الله مجید افتتاح مییافت و سپس با امتحان شاگردها میپرداختند. چون نوبت امتحان جغرافیا بمن بجهت سید عمامه بسر ده دوازده ساله رسید مرا پای نقشه بزرگی از ایران که بر دیوار آویخته بودند خواندند. در آن درس ضعیف بودم و با توس و لرز بجانب نقشه روان گردیدم. مرحوم حاج میرزا یحیی مرا به حضار معرفی فرمود و گفت سید محمدعلی فرزند آقا سید جمال‌الدین واعظ است که از طرفداران علم و فضل و کمال است. حاج نجم‌الدوله با صدای بلندی که لحن طعن و شماتت داشت گفت این آقا سید جمال که خودش دشمن علم و فضل است. سبب این گفتار ایرادهای سختی بود که پدرم مکرر با بیاناتی آمیخته به طنز و بلکه هجو از تقویم و تقویم‌نویس در بالای منبر کرده بود. تقویمی که اکنون در همین اواخر بدست من رسیده است تقویم فارسی تنگوزئیل سال ۱۳۴۱ هجری شمسی مطابق جمعه شانزدهم ذیحجه الحرام (۲) سنه ۱۳۵۳ هجری قمری ،

استخراج آفای پیوندی کردستانی است که در ۳۱ صفحه خشتی در تهران بچاپ رسیده است و در بالای جلد آن میخوانیم که " هر نسخه که به مهر منجم‌باشی نرسیده تقلب است. " می‌دانیم در بعضی تقویمهای خودمانی که با سیر سنوات-موش و بقر و پلنگ و خرگوش و سگ و خوک و باز چهارپایان دیگری و حتی مار و ماهی رواج مییابد و زینت منازل ما میگردد گاهی چیزهایی در نتیجه استخراجهای علمی و فنی ستاره‌شناسان دیده میشود که آدمیزاد را با شک و تردید دچار و دست به بچه میسازد.

در همان صفحه تقویمی که در اینجا مطرح است این کلام بسیار عالی را می‌بینیم که میتوان قبول کرد که مقرون به حقیقت کل است: " لایعلم الغیب الاالله. " و در پایان همان نخستین صفحه باز چشمان به این کلام می‌افتد: " واللہ تعالیٰ یعلم بحقایق و عواقب الامور. "

قبل از همه چیز واضح و آشکار است که ماهی از ماههای سال و هرسال از سالهای قرن بموجب حکم تقویم و اوضاع فلکی و نجومی و حرکات سیارات سبعة و اوضاع انجم: " دلالت دارد بر صحت وجود مسعود بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی، " ولو چند روزی پس از آن در تمام روزنامه‌های دنیا و در رادیوها و تلویزیونها و اخبار مطبوعاتی اطلاع بدهند که اعلیحضرت شاهنشاهی در اثر مرض طولانی مهلکی از دنیای فانی به عالم باقی شتافته است و یا مخلوع گردیده و از تاج و تخت افتاده است.

اخبار غیبگوئی‌های دیگر که در بالای هر صفحه از تقویم بقید اطمینان باطلاع ملکو ملت میرسد از این قبیل است و معلوم است که عموماً " ممکن است مقرون به صدق و صحت از خمره بیرون نیاید:

کثرت نکاح + زفاف + بسیاری مرغ و ماهی + خرید و فروش اقمشه و عطریات + رونق کار آتشکاران + خیر و صلاح در مردم + ظهور عدل و انصاف + آشوب و مجادله میان ازواج + رسوایی و بیرونقی سحران و عزایم و اهل اعداد و طلسمات + فساد حیوانات سم شکافته + استماع خبرهای نیک + بسیاری حیوانات آبی + صدق و امانت در مردم + حدوث قسوع و امامیل در اطفال + خوشحالی زنان (انشاءالله تعالی) + خبر-های اراجیف (تا دلتان بخواهد) + آسانی وضع حمل + فتح مهمات + ترقی قیمت لباس ابریشمی و پیرایه زنان + رواج بازار زرگران + ظهور اشخاص فصیح و فاضل + تهمت در میان بعضی مردم + گرفتاری جواسیس + نکبت اهل فساد و شر + آفت گوسفندان کوهی + کثرت تزویر و کذب + رغبت به صحبت با زنان + ملالت اوباش و اشرار + تفکر میان علما و اهل تصوف + کدورت اهل ورع + تجدید اشیاء قدیمه + قوت حال رؤسا + کذب و تقلب مردمان مسن + رسیدن اخبار از هر طرف + نیکی حال عامه و پیدا شدن امور عجیبه میان

سجی ۱۹۳۵

شسی ۱۳۱۴

جسالی ۱۰۷

لا بکسر الفیت الالهی ارضاع کج دعوکات بیارات سبه در این ماه دلالت دارد بر ملائمت ذات مقدس بندگان
 ای حضرت شایسته این طریقه و شلیع . فرح دستر در کا و فرم و رفت بنشاط و صحت بازمان . میل هوا برودت
 جتن سها . احوال باران . عیش و نشاط بیشتر در خاتین در باب طرب . طالت او با ش و دینار

مواضع ستاره		شسی		زحل		مشتری		زهره		عطارد	
روز ۵		روز ۴		روز ۳		روز ۲		روز ۱		روز ۰	
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹
۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱
۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳
۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴
۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵
۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶
۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷
۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸
۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰
۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱
۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲
۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳
۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴
۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵
۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶
۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷
۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸
۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰

شعبا العظمی
 مال باه در دست مردم
 پیمان و عهد از سر زمان
 از صورتی طرفت بیخ
 نظم برای سپردن
 اول نگاه
 قلب امردیک
 تجارت و تعلیم
 امردیکه و بنای مدارس
 فرا باب بر
 زراعت و شرکت
 نوسانات
 عمل و نقل و حرکت
 مسافرت
 خرفوات و بنای مدارس
 مانند روز غیر
 ابتدای کار و فرین سوئی
 رنای عام
 ابتدای امردیک
 دلالت مستقیم

آنان + عزت طعام و مأكولات + ظهور حشرات الارض.

حالا میرسیم بفصل دیگری از فصول تقویم که مستقیماً با سرنوشت اشخاص سروکار دارد. در اینجا باید دانست که در قدیم الایام یعنی در ایران قدیم و دوره زردشتیگری هم این شعبه از آنچه با امروز و فردای اشخاص از بزرگ و کوچک و زن و مرد سروکار دارد سخت رواج داشته است و کتابهایی که با عنوان "شایست و نشایست" انتشار مییافته و مورد توجه عوام و خواص بوده بسیار بوده است.

در تقویم خودمان در هر ماه و هفته در این خصوص دستورهای صریح با ارزشی می-بینیم که پاره‌ای از آنها در ذیل ملاحظه میفرمائید:

ملاقات علما و اشراف + نامه نوشتن + نوبریدن و نوپوشیدن + ملاقات خواتین + نکاح و ملاقات خواتین + امور اشراف و وزرا + امور نهانی + ملاقات حکام + مزاجه + دیدن خواتین و صحبت اهل طرب + دیدن اشراف + سواری و تیر اندازی + مسافرت + ختنه و طفل به گهواره نهادن + استحمام + شرب ادویه + فصد و حجامت + نکاح و مباشرت + معالجه امراض + قلع دندان + عقد نکاح و مباشرت + معالجه امراض سنگ + امور خفیه + خریدن چهارپایان + مکاتبه + ملاقات خوانین + تیراندازی + نکاح و مزاجت + تزویج + نکاح و مزاجت + ملاقات علما + جمیع امور نیک خاصه تزویج + امور شرعیه + خریدن املاک + امور خفیه + مشارکت + طلب حوائج + پیش از ظهر امور لشکری + نامه نوشتن و بیع + عقد و نکاح + طفل به دایه سپردن + مزاجت و مشارکت + خریدن مواشی + بنای حمام + ابتدای امور نیک + امور فقها و شراکت + امور اشراف + ملاقات دوستان و صحبت اکابر + مباحثه علمیه و نامه نوشتن + دیدن بزرگان + فصد و امور فقها + امور نهانی + امور وزرا + نکاح و ملاقات خوانین.

تقویم گذشته از محسنات مذکور در فوق، حسن دیگری هم دارد که تاریخ تولد و وفات جمعی از بزرگان و وقایع مهم دنیا را هم معین میکند چنانکه تقویم ما مثلاً این وقایع مهم را با قید روز و سال معین کرده است.

آمدن پرستوک + حرکت حشرات الارض + اول فریاد عندلیب + تعیین قبله بئی-اسرائیل + رحلت حضرت حوا + آوردن آصف تخت بلقیس را + اصحاب کهف + غرق شدن فرعون + جلوس ضحاک + هلاک قوم لوط + تمام شدن بهشت شداد + قرار گرفتن کشتی نوح + ظهور زرتشت + نوشتن رهنه گزدم + دعوی الوهیت فرعون + تولد یوسف - صدیق + قتل عام مزدکیان + ولادت هابیل + وفات شیث (ع) + وقعه اصحاب کهف + وقعه جرجیس (ع) + ایجاد زر برای معامله + ایجاد ساعت + حرکت کشتی نوح + وفات حضرت ابراهیم + هلاک نمرود + ولادت هابیل.

من شخصا" یقین دارم که این جماعت فرنگیها که در کار تاریخ و تقویم و وقایع - نگاری کار را بجاهای بسیار نازک رسانیده‌اند و جا دارد بگوئیم مته به خشخاش میگذارند و خواب و خور را ماهها و سالها بر خود حرام میکنند یک فقره از این همه توارخی که در فوق مذکور افتاد را نمیدانند و حسرت دست یافتن بدان را دارند. در حالی که منجم عزیز خودمان همه را مانند روز و ماه تولد خودش که چه بسا شاید بر او مجهول باشد با اطمینان خاطر تمام هرچه تمامتر برای هموطنان خود معین کرده و کار را بر آنها آسان ساخته است.

شاید خوانندگان ارجمند متوجه شده باشند که در میان این همه شاید و نشاید‌ها آنچه بیشتر از تمام اقلام دیگر شایدها یعنی دستورهای ثواب و سیارات توصیه شده است از این نوع میباشد: "ملاقات با خواتین، نکاح و ملاقات خواتین، مزاجه، دیدن خواتین، نکاح و مباشرت، عقد و نکاح و مباشرت، امور خفیه، امور نهانی، ملاقات خواتین، نکاح و مزاجت، تزویج، باز یک بار دیگر نکاح و مزاجت، امور خفیه، عقد و نکاح، مزاجت و مشارکت، امور نهانی، نکاح و ملاقات خواتین"، در صورتیکه در باره "ملاقات علما و اشراف" تنها یکبار تذکر و توصیه دیده میشود. چنانکه شاید اطلاع یافته باشید نگارنده دوست صدیق و کاملاً یکجبهتی دارد که انیس و جلیس تمام عمر او بوده و هست وی همیشه او را "یار دیرینه" خوانده‌ام و یقین دارم که اگر همین مبحث را با او در میان بگذارم و برآی‌العین ببیند که منجم آگاه ما بموجب حکم و امر ثوابت و سیارات در دستورهای حکیمانه و عالمانه خود مدام با ما مردم ایران از ازدواج و عقد و نکاح و مزاجت و صحبت با خواتین و مباشرت با نسوان و انجام امور نهانی با ما سخن رانده است و این امور را از جمله کارهای ستوده و شایسته شمرده است، یار دیرینه با همان خنده ملیح و پر معنائی که از مختصات خود اوست خطاب به ستاره‌شناس غایب خواهد گفت ای یار غار چه لزومی دارد که پای ستارگان و ساکنان عرش اعلا و فلک الافلاک را بمیان بکشی. رک و راست بگو که صحبت و همزانو شدن و همراز و نشست و برخاست با زنان و بانسوان و با جنس لطیف و طایفه انات در هر سال و هر ماه و هر هفته و هر روز و شیئی کاری است مطبوع و دلپسند که میتوان در حقش گفت: "چیست در این روزگار بهتر از این کار" و جانمان را خلاص کن.

* * *

داستان منجم و شاه عباس صفوی معروفتر از آنست که محتاج به شرح و تفصیلی باشد. ستاره‌ها به منجم بزبانی که تنها منجم می‌فهمید خبر دادند که جان اعلیحضرت - همایونی در خطر است. بزرگان دولت و فرزنانگان ملت دورهم نشستند و چاره کار را در

این دیدند که در آن چند روزی که بحکم منجم باشی جان پادشاه جمجاه در خطر است شخص دیگری را بر سربر سلطنت نشانند تا خطر متوجه جان او بشود. بیچاره از همه جا بی‌خبر و بی‌گناهی را بر تخت نشانیدند و پس از رفع خطر بدست جلادش سپردند و کارها بنحو دلخواه سیر طبیعی خود را گرفت و دنباله پیدا کرد.

در سیاحت‌نامه^۱ یک تن از ایلچیان فرنگی هم که در دوره خاقان مغفور فتحعلی شاه با یک سپاه بایران آمده بود (گویا ملکم سفیر انگلیس مؤلف "تاریخ ایران" بسیار معروف) خواندم که چون عازم مراجعت بکشور خود (یا به هندوستان) بود دولت ایران یک نفر ایلچی ایرانی همراه او ساخت که به انگلستان برود. کشتی در فلان روز از بندر بوشهر حرکت میکرد و هر دو هیأت بایستی در همان روز از راه شیراز به بوشهر برسند. ولی منجم‌باشی هیأت اعزامی ایران در شیراز در آن موقع حرکت از شیراز را سعد ندید و به نحوست، بل به خطر عظیم مقرون دید و ایدا" جایز ندید که ایلچی عظیم‌الشان از در خانه که در جانب قبله قرار نگرفته بود خارج شود و بناء علی هذا بناء و عمله آوردند و دیوار خانه را در سمت دیگری که خالی از خطر بود شکافتند تا ایلچی و همراهانش بتوانند از آنجا خود را بیرون بکشند. امثال این قضایا در بسیاری از صفحات تاریخ ایران از زمانهای قدیم الی زمانها هذا دیده میشود و اگر بخواهیم تمام آنها را در جایی جمع‌آوری کنیم (وای کاش یک تن از هموطنان دماغ و حوصله داشته باشد و چنین کاری را انجام بدهد) خود کتاب مفصلی خواهد شد.

تا اینجا سخن از تقویم بود. در شماره دیگر به "مقویم" می‌پردازم.

۱ - در آن اوقات مدارس جدید در تهران زیاد نبود و از آن جمله بود همین مدرسه ادب و مدرسه رشديه و مدرسه سادات (باز از تأسیسات مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی که خدا او را بیامرزد) و مدرسه تربیت و مدرسه قدسیه و مدرسه ثروت و دیگرگمان نمیرود که مدرسه دیگری بجز مدارس متوسطه پایتخت وجود داشت. ۲ - هکذا فی‌الاصل.



(*) - در سال ۱۳۵۴ که نمایشگاه "تقویم پارینه" در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تشکیل شد بمناسبت آنکه جمع‌آوری تقویمهای قدیم مورد توجه واقع شد و اهل تحقیق و تجسس دریافتند که آن مجموعه چه اهمیتی وفایده‌ای دارد شعر سعدی را به صورت: "که تقویم پارینه آید بکار" در اوراق مربوط به آن نمایشگاه ذکر کردم. برای اطلاع بر چگونگی مجموعه مذکور یادداشتهایی را که در آن روزگار تهیه کرده بودم بعد بچاپ می‌رسانم. (ایرج افشار)